

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

کمانچه نَداف

تا کی سخن ز کرده اسلاف میزنی
اسلاف را که نامور و نامدار بود
با هرکه روبرو شده ای لاف میزنی
چون پخته در کمانچه نَداف میزنی
آخلاف را که چشم به روی تو دوختند
حرف خلاف وعده به اخلاف میزنی
مردم به ماه و مشتري و زهره پر کشید
تو حرف دیو و جن و پری، قاف میزنی
ما خون دل ز دست تو بسیار میخوریم
تو خود به بزم عیش، می صاف میزنی
گر ظاهراً ز جرعه می توبه کرده ای
مفت ار شود میسر، تا ناف میزنی
سنگ است دل به سینه پر از کدورتت
گرچه گپ از مروّت و انصاف میزنی
دیدي که چاره توبه مرکز نمیشود
خود را به کارداری اطراف میزنی
منظور توست منزلت و پول داشتن
رشوت اگر نبود ز اوقاف میزنی
از پول ناروا چو شود کیسه تو پُر
مغرور گشته حرف به اجحاف میزنی

در حرف تو «اسیر» دورنگی ندیده ایم

با هرکسی سخن به دل صاف میزنی

(فرانکفورت - دسمبر ۲۰۰۶ ع)